

درس‌هایی که ایران به چینی‌ها داد



بهرام امیراحمدیان

کارشناس مسائل بین‌الملل

ایران از آغاز انقلاب قصد آن داشته و دارد که سیاست خارجی مستقلی در پیش گیرد. از نگاه انقلابیون هم غرب و هم شرق به یک اندازه در فضای سیاسی ایران دخالت داشته و مانع شکل‌گیری یک سیاست خارجی مستقل و پویا بوده‌اند. از قرارداد تقسیم ایران بین غرب و شرق (و نمایندگان آن روس و انگلیس) تا نقض بی‌طرفی در جنگ‌های جهانی اول و به‌ویژه دوم، نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران، نگاهی دوستانه و صلح‌آمیز و توسعه‌گرا و انسانی است و آنی نیست و نمی‌تواند باشد که قدرت‌های بزرگ بدان می‌نگرند. برای نمونه نگاه روسیه در ارائه اندیشه «اوراسیاجرای» که به سبب واقع شدن بخش عظیمی از گسترده جغرافیایی آن در شرق، در اندیشه پیوند با قلمروهای جدا شده شوروی سابق در پیرامون آن، قصد نزدیک شدن و جلب همکاری و همفکری با ایران و ترکیه و افغانستان و چین در پیرامون خود (در حالی که خود بزرگ‌ترین کشور جهان از نظر وسعت در قلمرو کنونی است) و ساختن اوتوپایی به نام «اوراسیا» است که خود رهبری آن را بر عهده داشته باشد. نگاه به شرق ایران از دو دیدگاه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. یکی از منظر جغرافیایی است که در شرق ایران، سرزمین‌هایی قرار دارد که خاستگاه تمدنی ایران است. از سرزمین مردخیز سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی تا خراسان کهن در شمال شرقی. همین‌طور آنسوی آمویه در وروردان (ماوراءالنهر کهن) که زبان و ادب پارسی از آنجا برخاست، به خراسان آمد، به فارس رفت و در مرکز و شمال غرب با گذر از رود ارس به شیروان رفت و در سرزمین «رومیة» این میراث به مولوی سپرده شد. در شرق ایران از خانواده زبان ایرانی، از پامیر (پای میر-پای میترا) و زبان‌های پامیری (پیشکاشی، یزغلامی و غنابلی) تا سغدی (در سغدپایانی کهن) تا مرو قدیم (در مرجانیان باستان) و زبان‌های ایران شرقی همچون پشتو و بلوچی همه و همه برای نگارش ایرانی، به مفهوم شرق جغرافیایی است جایی که خوراسان (خور آسان برآید) خورشید در بامدادان از آن سرزمین بر ایران زمین می‌تابد. اکنون که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شعار و نگارش «نگاه به شرق» مطرح می‌شود همین شرق است که همکاری و همدلی با کشورها و ملی است که در همجواری زیست می‌کنند و ایران قصد دارد پیوند خود با این سرزمین‌ها و ملل آن را در چار چوب همکاری‌های دوجانبه بدان وسعت بخشد و قلمروی به‌دور از درگیری و تنش پدید آورد تا از توان‌های یکدیگر بهره‌مند شوند و در صلح و دوستی با یکدیگر زندگی کنند. در نگاه دوم نگاه به شرق، تکیه بر شرق جغرافیایی دارد و دو تمدن کهنسالی که در کنار و همسایگی تمدن ایرانی از گذشته‌های دور با هم مرادوات داشته‌اند (چین و هند)، پس در قرن ۲۱ هم نوبت شرق است و این سه تمدن در کنار هم که از آغاز تاریخ با هم در پیوند بوده‌اند و به تعبیری همان «فلات ایران» است و کم و بیش منطبق بر «ایران فرهنگی» که قلمرو آن در محدوده آسیایی، جاده ابریشم و جاده اودیه را شکل می‌دادند. اکنون همان نگارش باستان در حال شکل‌دهی به قلمروی است که به شرق سیاسی و اقتصادی تبدیل شده و مفهوم «شرق ژئواستراتژیک» را به «شرق ژئواکونومیک» تغییر داده است و از آن «بکتار کمربند» و راه «درصد احیای جاده ابریشم باستان است. می‌دانیم که اکنون ابرقدرت اقتصادی شرق (چین) با تکیه بر اندوخته‌های تمدنی خود و با کسب مهارت‌ها و فنی که از غرب به عاریت گرفته است، در شکل‌گیری شرق نوین بناخواسته است. اگر کاغذ و باروت و قطب‌نما و چاپ چین نبود و اگر دارنه‌های تمدنی ایرانی نبود خیلی چیزها کم بود. ابریشم خام چین برای صادرات به امپراتوری روم جهت تزئین پوشاک مردان و زنان درباری، بخشی در ایران فرایند می‌شد و به پارچه‌های رنگین و گرانبها تبدیل می‌گشت و این ایران بود که نخستین امپراتوری جهان را پدید آورد و دولتمداری را در سرزمینی وسیع به عنوان الگویی برای بسیاری از دولت‌های زمانه خود و بعد ایجاد کرد. این تمدن ایرانی بود که راه شاهی در کنار راه ابریشم را ایجاد کرد و نخستین سامانه پستی پیشرفته را پدید آورد که شاهکاری جهانی باقی ماند. جمهوری اسلامی ایران در ادامه سیاست‌های نگاه به شرق خود علاقه مند است ارتباط زمینی خود با آسیای مرکزی در شاقه شمال شرقی را از طریق افغانستان برقرار سازد، موردی که در دهه هشتاد از آن با نام «بزرگراه ایران-افغانستان-آسیای میانه» نام برده است که شوربختانه امکان دستیابی بدان عملی نشد ولی اکنون در قالبی دیگر از سوی سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (اگو) تحت عنوان «کتابی (KTAI) شرقی سیستان، تاجیکستان، افغانستان، ایران) پیگیری می‌شود و افتتاح خط آهن خواب-هرات، نماد آغاز این اقدام است که با وجود ناسامانی‌های آغاز سلطه طالبان، امکان بهره‌برداری از این راه برای ارتباط زمینی ایران با آسیای میانه (در کنار راه‌های موجود در شمال شرقی- از طریق ترکمنستان) فراهم شده است. ایران با داشتن توانمندی‌های سرزمینی و زیرساخت‌ها و شبکه‌های قدرتمند ارتباطی و لجستیکی می‌تواند پیوند دهنده این شرق محصور در خشکی با آب‌های گرم از طریق بنادر توانمند خود در دریای عمان و خلیج فارس باشد. توانمندی‌های ایران در زمینه علوم و فنون از سلول‌های بنیادی و پیوند اعضا تا پیچیده‌ترین عملیات جراحی تا دستیابی به نانو تکنولوژی و صنایع هوافضا تا تکنولوژی هسته‌ای صلح‌آمیز و موارد بسیاری دیگر که همسایگان واقع در شرق و شمال شرق بدان نیازمندند، می‌تواند در تعامل با یکدیگر به کار گرفته شوند.

دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شوک درمانی نام دیگر چنگ اندازی به صورت فقر است

بین آمارهای اقتصادی و واقعیت‌های جامعه تعارض وجود دارد

باید مردم رانسبت به واقعیت‌های بودجه آگاه کرد



آرمان ملی- احسان انصاری: «اینکه رانتی معدنی‌ها را به اسم تولید رشد می‌دهند و بر ضد تولید عمل می‌کنند، صنایع ملی را نابود می‌کنند و کشور را به سمت استهلاک بی‌سابقه ماشین‌آلات تولیدی می‌برند و خام‌فروشی را به جای تولید جامی‌زنند در نهایت به نتیجه نخواهد رسید. داده‌های رسمی این اقتصاد می‌گوید ما به سمت یک روند شدت یابنده مونتاژ کاری به نام تولید که تعمیق‌کننده روندهای وابستگی به دنیای خارج، هستیم و ریشه همه آنها این است که گام نخست اصلاح برای نجات کشور، اصلاح رفتارهای مالی دولت‌هاست. «شوک درمانی»، اسم دیگر چنگ انداختن به صورت فقرا و تولید کنندگان است. «جملات ذکر شده اظهارات دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان درباره بودجه سال آینده و چشم‌انداز اقتصادی پیش روی دولت و کشور در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مومنی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه اشاره کرده که در ادامه ماحصل آن را می‌خوانید.

ما به شدت نیازمند این هستیم تا آگاهی‌های جامعه و مردم را درباره ابعاد اهمیت بودجه ارتقا دهیم. بخشی از این بر خوردهای سهل‌انگارانه نسبت به بودجه و عدم اهتمام بایسته به نظام بودجه‌ریزی ما، به این مسأله بر می‌گردد که ما از ابعاد اهمیت بودجه در حد نصاب آگاهی نداریم. بودجه سندی است که به مثابه آینه، می‌توان از دریچه آن الگوی رابطه مردم و حکومت را درک کرد. اگر ما وارد ناسباتی شده باشیم که بخش اعظم پرداخت‌های معطوف به حمایت‌های اجتماعی، نصیب گروه‌های جمعیت‌اندک شود، تمامیت ارضی کشور تهدید خواهد شد. در گزارش صندوق بین‌المللی پول درباره میزان مسئولیت‌پذیری حکومت‌ها در امور حاکمیتی که تا پایان سال ۲۰۲۲ را پوشش داده به صراحت گفته شده ایران جزء ۶ کشور با پایین‌ترین نسبت‌های شاخص مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال زیرساخت‌های سرمایه‌انسانی و مادی توسعه است. این شاخص نشان دهنده میزان اهتمام ساختار قدرت به امور بستر ساز توسعه مانند تغذیه، مسکن، آموزش و سلامت مردم و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز برای تشویق تولید کنندگان است.

چرا اقتصاد ایران در چنین جایگاهی قرار دارد؟

واقعیت این است که بسیار تلخ و غم‌انگیز است که تنها در دنیا در شرایط کنونی ۵ کشور هستند که نسبتی پایین‌تر از ایران در این شاخص دارند. این هشداری بزرگ است. این شاخص از دریچه اقتصاد سیاسی به مثابه یک چسب در نظر گرفته می‌شود؛ چسبی که نیروهای گریز از مرکز را کنترل و مهار می‌کند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای بودجه‌ریزی باکیفیت، این است که امکان توسعه نوآوری‌های فناورانه را ایجاد می‌کند. فصلی بسیار وسیع در ادبیات توسعه به این مسئله اختصاص دارد که تنها حکومت‌هایی که مالیه شفاف، مردم محور، تولید محور و بهنجار دارند، می‌توانند توسعه پیدا کنند. در ادبیات توسعه یکی از پرسش‌های بنیادی این است که چرا در حالی که تقریباً همه کشورهای اروپایی در ربع پایانی قرن هجدهم، از همه نظر به طور نسبی همتر از بودند، چرا انگلستان در انقلاب صنعتی پیشگام شد؟ و این پیشگامی نزدیک به دو قرن، انگلستان را به جایی رساند که می‌توانستند ادعا کنند که آفتاب در این امپراتوری هرگز غروب نمی‌کند. این عظمت از طریق پیشگامی در تولید فناورانه نصیب انگلستان شد و پاسخی که بخش بزرگی از نظریه پردازان توسعه مطرح می‌کنند، این است که یکی از ریشه‌های اصلی پیشگامی انگلستان در تولید فناورانه این بود که این کشور در بهنجار کردن رفتارهای مالی حکومت پیشگام بود. از آنجا که حکومت، قدرت اعمال خشونت بر اساس قانون را دارد، معمولاً حکومت‌ها از این موقعیت برای چنگ انداختن به صورت تولید کنندگان در دوران‌هایی که کفگیر خزانه به ته دیگ

اگر بحث‌های جاری میان نمایندگان مجلس و دولت را در گذشته ببینید، خواهید دید تا چه میزان غیرمحترمانه با یکدیگر سخن می‌گویند و هر کس تلاش می‌کند توپ تعارض میان تبلیغات دولت با داده‌های رسمی را به زمین دیگری بیندازد. دولت و مجلس این پارادوکس که از یکسو ادعا می‌شود ما بی‌سابقه‌ترین سطوح فروش نفت در دوره پسا برجام را داشته‌ایم و از طرف دیگر با یکی از بی‌سابقه‌ترین سطوح کسری مالی در یک سال رو بهرو هستیم و این خود پاسکاری می‌کنند. این اصلاً علامت خوبی نیست. برخی مسئولان آمارهای غیر دقیق و غیر شفاف و غیر رسمی را ابزاری برای اینکه مثلاً روحیه خود و دیگران را بالا ببرند، به کار می‌گیرند باید بداند حقیقت تا بد پنهان نمی‌ماند. بحث‌هایی که از طریق انداز رسمی و چه از طریق این دیالوگ‌های غیر صمیمانه میان اجزای قدرت، پدیدار می‌شود. بنابراین چقدر خوب است که عز یزان از این مسائل درس بگیرند و متوجه باشند که هیچ سیاستی بهتر از صدق ورزی با مردم و با خودشان در اموری که سرنوشت کشور را رقم می‌زند نیست. اگر دولتی اولویت تقویت انگیزه‌های تولیدی نسبت به انگیزه‌های مصرفی را درک نکند، محکوم به شکست است. اول باید بنیه تولید را بالا ببرید و بعد متناسب با آن اجازه مصرف بدهید. در ایران از اکنون هشدار می‌دهند که سال آینده برای تولید کنندنده‌های بزرگ کشور تصمیمی راجع به اینکه برق و گاز برسانیم نمی‌دهیم؛ می‌گویند خودتان فکری بکنید. بعد افتخار می‌کنند که باب مصرف را باز گذاشته‌ایم. این چه شیوه مدیریت است. چطور می‌شود دولت مانفهد که وقتی به تولید ضربه می‌زند، به این معنی است که باب تسلط خارجی‌ها را باز می‌کند؟ در کنار همه نابسامانی‌ها این امید است که در میان متفکران و غیرتمدناتی که مانند در کشور را به ترکش ترجیح داده‌اند، ذخیره داناتی در انداز‌های هست که بفهمد کانون‌های اصلی خطاها و گرفتاری‌ها چیست و ساز و کار نجات چیست، تنها از دولت می‌خواهیم به اصلاحات واقعی تن دهد. اما در کشور ما اسم بزرگ‌ترین فسادها را اصلاح می‌گذارند.

چگونه این اتفاق رخ داده است؟

ما به تجربه در حال مشاهده این هستیم که صداها بر ذیل پرچم‌های خیلی خوب، کارهای خیلی بد انجام شده است و بعدها روشن شده که آمیزه‌ای از ناآگاهی و منافع رانتی پشت این قضایا بوده است. مگر ماجرای خصوصی‌سازی غیر از این بود. این حجم از گزارش‌های رسمی که منتشر شده را ببینید. ۱۰ سال بعد از فاجعه‌های بحران ساز خصوصی‌سازی سازمان

در گزارش صندوق بین‌المللی پول درباره میزان مسئولیت‌پذیری حکومت‌ها در امور حاکمیتی که تا پایان سال ۲۰۲۲ را پوشش داده به صراحت گفته شده ایران جزء ۶ کشور با پایین‌ترین نسبت‌های شاخص مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال زیرساخت‌های سرمایه انسانی و مادی توسعه است. این شاخص نشان دهنده میزان اهتمام ساختار قدرت به امور بستر ساز توسعه مانند تغذیه، مسکن، آموزش و سلامت مردم و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز برای تشویق تولیدکنندگان است

نقشه تخلیه یا نقشه راه
برای آینده غزه؟

با تداوم حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه اکنون طرح‌های مختلف و متفاوتی برای آینده این باریکه در نظر گرفته شده است. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خود صهیونیست‌ها به فراخور منافع و اهداف خود این طرح‌ها را مطرح کردند. پیرو این نکته و در پی انتشار اخباری از طرح رژیم صهیونیستی برای ایجاد یک «منطقه حائل» در نوار غزه، منابع مطلع از ابلاغ این طرح به چند کشور عربی توسط نخست‌وزیر رژیم اشغالگر خبر دادند. به گزارش ایسنا، منابع مصری و منطقه‌ای اعلام کردند، رژیم صهیونیستی به چند کشور عربی از تمایل خود برای ایجاد منطقه حائل در نوار غزه برای جلوگیری از هرگونه حمله احتمالی به سرزمین‌های اشغالی به عنوان بخشی از پیشنهادات مطرح‌شده در خصوص دوره «پساجنگ» در غزه اطلاع داده است. سه منبع منطقه‌ای گزارش دادند که رژیم صهیونیستی مصر، اردن و امارات را در جریان طرح خود قرار داده است. این منابع همچنین فاش کردند که این ایده به عربستان سعودی نیز ارائه شده است. این منابع اعلام نکرده‌اند که عربستان سعودی از چه طریقی در جریان این طرح رژیم صهیونیستی قرار گرفته است؛ چراکه ریاض کاتال‌های ارتباط رسمی مستقیم با این رژیم ندارد.

اهداف بی‌بی‌بی‌از ایجاد منطقه حائل در غزه مشاور بنیامین نتانیاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود که این رژیم طرحی برای ایجاد منطقه حائل در نوار غزه دارد و این طرح شامل سه هدف است که به مرحله «مابعد حماس» اختصاص دارد. وی گفت، این طرح شامل «نابودی حماس، خلع سلاح غزه و پایان دادن به اقدامات حماس در غزه» است. عمق منطقه حائل هنوز مشخص نیست و احتمالاً به یک یا دو کیلومتر یا صدها متر در داخل غزه برسد. رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز پیش از این اعلام کرده بودند که نتانیاو در دیدار با آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا به وی اعلام کرده که این رژیم قصد دارد پس از جنگ یک منطقه امنیتی عمیق را در داخل نوار غزه ایجاد کند. مقامات رژیم صهیونیستی و در راس آنها بنیامین نتانیاو در حالی از ارزی دور و دراز خود برای غزه «پساجنگ» و مرحله پس از «نابودی جنبش حماس» صحبت می‌کنند که ارتش این رژیم از هفتم اکتبر (۱۴ مهر) از هر جانبی استفاده کرده تا مقاومت فلسطین را به زانو دریاورد، اما مقاومت هربار قدرتمندتر از قبل به آن پاسخ داده و واقعیت متزلزل این رژیم و شکنندگی «ارتش افسانه‌ای» ادعایی آن را برای جهانیان آشکار کرده است.

نقشه تخلیه یا نقشه راه برای آینده غزه؟ پیرو آنچه گفته شد ارتش رژیم صهیونیستی نقشه جدیدی منطقه غزه را برای ساکنان این باریکه منتشر کرد که به نظر می‌رسد نقشه راهی برای ترسیم آینده نوار غزه خواهد بود. چراکه به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها سعی دارند در بحبوحه جنگ به نام کاشن تلفات غیر نظامیان، ساختار و بافتار جمعیتی و پر اکندگی فلسطینیان در این باریکه را به شکلی مدیریت کنند که در نهایت بتواند اهداف و طرح‌های خود را برای آینده غزه پیاده نمایند. بر اساس بیانیه ارتش رژیم صهیونیستی، این نقشه تخلیه که در آن قلمرو غزه بر اساس مناطق قابل تشخیص، به بخش‌های متعددی تقسیم شده است، «مناطق تخلیه»، «برای استفاده در «مرحله بعدی جنگ» نشان می‌دهد. ارتش رژیم صهیونیستی صبح جمعه اعلامیه‌های را در مناطق جنوب غزه پرتاب کرد که حاوی یک QR بودند که پس از اسکن شدن به وسیله گوشی موبایل، صفحه مربوط به نقشه را برایشان باز می‌کرد. همچنین آویچای آدرایی، سخنگوی عرب‌زبان ارتش اسرائیل نقشه‌هایی را در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) منتشر کرده است که نشان می‌دهد فلسطینی‌ها چه بخش‌هایی از غزه را باید ترک کنند و به کجا باید فرار کنند. بر اساس این نقشه، فلسطینیان ساکن جنوب غزه، باید به محله بنی سهیل در نزدیکی خان یونس، باید محله‌های خود را تخلیه کرده به پناهگاه‌هایی در رفح در مرز بامصر (یکی از چندین بخش جنوبی نوار غزه که اسرائیل از زمان پایان آتش‌بس در روز جمعه بمباران کرده است) بروند. در این بین و برخلاف تمام ادعاها بی که دولت بایدن و مقامات کاخ سفید دل بر تأکید بر راهکار دو کشوری برای برون رفت بحران کنونی به زبان رانده‌اند، اکنون مشخص شده که آمریکایی‌ها هم در پشت پرده سعی دارند که نوار غزه را خالی از فلسطینی‌ها کنند. این در حالی است که پیشتر دولت بایدن با اقدام صهیونیست‌ها برای کوچاندن اجباری ساکنان غزه مخالف بودند. اما روزنامه عبری زبان اسرائیل هیوم در گزارشی، جزئیات طرح اعضای کنگره آمریکا برای انتقال و اسکان ساکنان غزه در چهار کشور خاورمیانه را افشا کرد. از دیدگاه این طراحان، اخراج فلسطینیان ساکن غزه هم می‌تواند راه را برای بازگشت بدون دردسر اسرائیلی‌ها به این منطقه باز کند و هم طرح بزرگ صهیونیست‌های افراطی برای راه‌حل یک دولت اسرائیلی را محقق سازد و هم چیزی به نام دولت فلسطینی را به طور کامل از بین ببرد.